

چهار شنبه 20 آبان 1405 - 08:54

خطبه فدکیه منظومه معرفتی و اجتماعی است

احکام اسلامی تنها برای تنظیم رابطه انسان با خداوند تشریع نشده‌اند؛ بلکه در کنار تربیت معنوی فرد، به دنبال اصلاح روابط اجتماعی و استقرار عدالت نیز هستند. حضرت زهرا(س) در خطبه فدکیه با تبیین حکمت‌هایی همچون عدالت، جهاد، اطاعت، صله‌رحم و امر به معروف، تصویری جامع از کارکرد اجتماعی دین ارائه می‌کنند.

احکام اسلامی تنها برای تنظیم رابطه انسان با خداوند تشریع نشده اند؛ بلکه در کنار تربیت معنوی فرد، به دنبال اصلاح روابط اجتماعی و استقرار عدالت نیز هستند. حضرت زهرا (س) در خطبه فدکیه با تبیین حکمت هایی همچون عدالت، جهاد، اطاعت، صله رحم و امر به معروف، تصویری جامع از کارکرد اجتماعی دین ارائه می کنند.

خطبه فدکیه حضرت زهرا (س)، فراتر از یک احتجاج تاریخی و سیاسی درباره مسئله فدک، منشوری جامع از معارف دینی، اجتماعی و حکمت احکام اسلامی است. در این خطبه، حضرت زهرا(س) با بیانی دقیق، به تبیین فلسفه و حکمت شماری از مهم ترین احکام و آموزه های اسلام می پردازند؛ آموزه هایی که هر یک نقشی اساسی در ساختن فرد مؤمن و جامعه سالم دارند. تأمل در این بخش از خطبه فدکیه نشان می دهد که احکام اسلامی صرفاً مجموعه ای از دستورهای عبادی و فردی نیستند، بلکه هر کدام در پی تحقق هدفی مشخص در زندگی انسان و سامان بخشی به مناسبات اجتماعی اند؛ از ایمان و نماز و روزه گرفته تا عدالت، جهاد، امر به معروف، صله رحم و رعایت حقوق دیگران.

با همین دغدغه و در ایام فاطمیه سرویس اندیشه و معارف، در گفت وگویی با حجت الاسلام والمسلمین سید اسحاق حسینی کوهساری استاد حوزه و دانشگاه به بررسی جایگاه فلسفه احکام در خطبه فدکیه، نسبت میان احکام دینی و نیازهای فردی و اجتماعی انسان و پیام های تمدنی این خطبه پرداخته ایم که در ادامه می خوانیم:

خطبه فدکیه منظومه معرفتی و اجتماعی است

ایکنا - خطبه فدکیه را باید صرفاً یک احتجاج تاریخی و سیاسی درباره فدک دانست یا می توان آن را منشوری برای تبیین فلسفه احکام اسلامی به شمار آورد؟

بسم الله الرحمن الرحیم، مسئله فدک یکی از مباحث دردناک و انگیزه های مهم در تاریخ اسلام است. گرچه در ظاهر، یک جریان سیاسی به شمار می آمد، اما به اعتقاد بسیاری از اهل تحقیق، فدک بیشتر یک سوژه سیاسی بود، نه هدف اصلی. امیرالمؤمنین (ع) نیز در بیانی می فرمایند که ما از آنچه در اختیارمان بود، بهره ای برای زندگی شخصی خود نمی خواستیم.

نکته دوم این است که ما در علوم انسانی با مفهومی به نام فلسفه های مضاف مواجه هستیم. اگر اقتصاد داریم، فلسفه اقتصاد هم داریم؛ اگر سیاست داریم، فلسفه سیاست داریم و همین طور فلسفه حقوق و سایر حوزه ها. البته بعضی تصور می کنند این فلسفه های مضاف محصول اندیشه غربی است، در حالی که ما در قرآن و روایات خودمان مواد اولیه و مبانی این مباحث را داریم. قرآن کریم در ضمن داستان ها و آیات مختلف، به مباحثی اشاره می کند که می توان آنها را مبانی فلسفه اقتصاد، سیاست و حقوق دانست. برای نمونه، در داستان طالوت و جالوت، مسئله قدرت، مدیریت و معیارهای رهبری مطرح می شود. در آیه شریفه «فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» نیز با یک مبنای مهم اقتصادی و حقوقی مواجه هستیم.

یکی از نمونه های برجسته این فلسفه های مضاف، همین خطبه حضرت زهرا (س) است. اما درباره فلسفه احکام باید به یک نکته توجه کنیم. گاهی از تعبیر «حکمت احکام» استفاده می شود؛ چون ما همیشه به تمام فلسفه و علت یک حکم دسترسی نداریم. به طور کلی، می توان احکام را از جهت شناخت حکمت آنها به چهار دسته تقسیم کرد:

دسته اول، احکامی هستند که عقل عمومی بشر حکمت آنها را درک می کند. برای مثال، احترام به انسان و حرمت کشتن انسان بی گناه، از مسائلی است که عقل انسان می تواند ضرورت آن را بفهمد. در اینجا احکام شرعی در مواردی جنبه ارشادی دارند؛ یعنی عقل بشر نیز اصل آن را درک می کند.

دسته دوم، احکامی هستند که حکمت آنها برای عموم مردم روشن نیست و قرآن و روایات به تبیین آنها پرداخته اند. برای نمونه، خداوند درباره روزه می فرماید: «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ». یعنی روزه زمینه تقوا را در انسان تقویت می کند. در روایات امام صادق (ع) نیز به این نکته اشاره شده که روزه سبب می شود انسان های برخوردار، گرسنگی و سختی فقرا را بهتر درک کنند و یک احساس مشترک انسانی میان فقیر و غنی شکل بگیرد.

دسته سوم، احکامی هستند که حکمت و آثار آنها در طول زمان و با پیشرفت علم بیشتر آشکار شده است. برای مثال، درباره حرمت برخی خوردنی ها و نوشیدنی ها، امروزه پژوهش های علمی به ابعاد بیشتری از آثار زیان بار آنها پی برده اند. در روایات نیز به این اصل اشاره شده که خداوند چیزی را بدون حکمت و مصلحت تحریم نکرده است.

دسته چهارم، احکام تعبدی هستند که ما ممکن است فلسفه کامل آنها را ندانیم. برای مثال، چرا نماز صبح دو رکعت و نماز مغرب سه رکعت است؟ اینها از احکامی هستند که ما باید به فرمان خداوند و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله عمل کنیم، هرچند به تمام حکمت آنها دسترسی نداشته باشیم. ممکن است در آینده و با ظهور حضرت ولی عصر (عج)، ابعاد بیشتری از این حکمت ها برای بشر روشن شود. نکته جالب این است که حضرت زهرا (س) در خطبه فدکیه، بسیاری از حکمت های احکام را بیان می کنند. نظیر همین مضامین را با تفاوت هایی در نهج البلاغه نیز می بینیم.

مرحوم آیت الله حسن زاده آملی تعبیر زیبایی داشتند. ایشان می فرمودند اگر سخنان حضرت زهرا (س) را در کنار سخنان امیرالمؤمنین (ع) قرار دهیم، عظمت علمی و معرفتی آن حضرت آشکار می شود؛ گویی اگر قرار بود زن هم امام باشد، نمونه اعلای آن در وجود حضرت زهرا (س) تجلی پیدا کرده است.

ایکنا - حضرت زهرا (س) در خطبه فدکیه، ایمان، نماز و روزه را با چه حکمت هایی معرفی می کنند و این احکام چه نقشی در تربیت معنوی انسان دارند؟

اولین موضوعی که حضرت زهرا (س) مطرح می کنند، مسئله ایمان است. حضرت می فرمایند: «فَجَعَلَ اللّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ»؛ خداوند ایمان را مایه پاکی شما از شرک قرار داد.از این بیان معلوم می شود که شرک، نوعی آلودگی درونی برای انسان است و ایمان، انسان را از این آلودگی پاک می کند. اینجا باید به یک مسئله مهم اشاره کنم. بعد از شکل گیری جریان اومانیسم در فلسفه غرب، بحث تقدس زدایی و کنار گذاشتن خدا و معاد مطرح شد. در دوره ای تصور می کردند انسان می تواند بدون اتکا به امر قدسی، همه مسائل زندگی را حل کند. اما امروز می بینیم که در بسیاری از محافل فکری غرب، دوباره بحث معنویت و نیاز انسان به امر متعالی مطرح شده است. یکی از مشکلات تمدن مادی همین است که اصالت را به انسان می دهد، اما ارتباط انسان با خدا را نادیده می گیرد.

دومین موضوع، نماز است. حضرت زهرا (س) می فرمایند: «وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ»؛ خداوند نماز را برای دور کردن انسان از تکبر قرار داده است. ببینید، اگر کسی نماز بخواند اما متواضع و خاکسار نباشد، باید در کیفیت نماز خودش تأمل کند. اساس نماز، نیایش و اظهار بندگی است. انسان در نماز پیشانی خود را بر خاک می گذارد؛ رکوع می کند و به سجده می رود. این ها همه نشانه خضوع انسان در برابر خداوند است. ما به همین دلیل بر سجده بر تربت امام حسین (ع) نیز تأکید داریم؛ چون این تربت یادآور اوج بندگی، ایثار و شهادت در راه خداست. درباره امام موسی کاظم (ع) نیز نقل شده است که سجده های طولانی داشتند و با مناجات و اظهار بندگی، اوج خاکساری خود را در برابر خداوند نشان می دادند. پس نماز باید در رفتار انسان اثر بگذارد. کسی که نماز می خواند اما همچنان متکبر است، باید ببیند آیا حقیقت نماز را درک کرده است یا خیر.

سومین موضوع، روزه است. حضرت می فرمایند: «وَالصِّيَامَ تَثْبِيتاً لِلْإِخْلَاصِ»؛ خداوند روزه را برای تثبیت اخلاص قرار داد. مرحوم ملا محسن فیض کاشانی در مباحث عرفانی خود نکته ظریفی دارد. ایشان می گوید اخلاص فقط این نیست که انسان کار را برای خدا انجام بدهد؛ بلکه باید خدا را تنها ناظر و مقصود خود بداند. روزه از این جهت یک تمرین بسیار مهم است. ممکن است انسان در جمع مردم چیزی نخورد و همه تصور کنند روزه دار است، اما وقتی در خلوت قرار گرفت، اگر نیت روزه نداشته باشد، آب بخورد. اینجاست که تفاوت روزه با سایر عبادات روشن می شود. در روزه، انسان با خودش خلوت می کند و فقط خداوند از حقیقت عمل او آگاه است. بنابراین روزه، تمرین بندگی و اخلاص است.

ایکنا - چرا حضرت زهرا (س) عدالت، اطاعت از رهبری، جهاد و امر به معروف را از حکمت های مهم احکام اسلامی معرفی می کنند؟ این آموزه ها چه نسبتی با انسجام و امنیت جامعه دارند؟

یکی از فرازهای بسیار مهم خطبه این است که حضرت می فرمایند: «وَالْعَدْلَ تَسْكِيناً لِلْقُلُوبِ»؛ خداوند عدالت را مایه آرامش دل ها قرار داده است. این جمله بسیار عمیق است. جامعه را می توان به مجموعه ای از دانه ها یا آجرهایی تشبیه کرد که باید در کنار هم قرار بگیرند. چیزی که این اجزا را به یکدیگر پیوند می دهد، عدالت است. اگر در جامعه عدالت وجود داشته باشد، خانواده و اجتماع از آرامش برخوردار می شوند. اما اگر عدالت نباشد، اجزای جامعه به جای اینکه کنار هم قرار بگیرند، از هم جدا می شوند. آیت الله جوادی آملی تعبیر زیبایی داشتند و میان سکوت و سکینه تفاوت قائل می شدند. ممکن است در یک جامعه ظاهراً سکوت و امنیت وجود داشته باشد، اما این به معنای آرامش واقعی نیست. آرامش حقیقی آن است که مردم به یکدیگر

اعتماد داشته باشند و برای حفظ حقوق خود دائماً احساس نگرانی نکنند.

به نظر من یکی از مشکلات مهم جامعه ما نیز مسئله شکاف طبقاتی و فاصله میان اقشار مختلف است. در سال های گذشته، گاهی توسعه اقتصادی مورد توجه قرار گرفت، اما عدالت و تعدیل اجتماعی به اندازه کافی در کنار آن دیده نشد. نتیجه چنین رویکردی می تواند افزایش فاصله طبقاتی باشد. حضرت زهرا (س) در فراز دیگری می فرمایند: «وَطَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ»؛ خداوند اطاعت از ما را مایه انتظام و انسجام امت قرار داده است. من برای توضیح این مسئله، نماز جماعت را مثال می زنم. نماز جماعت چند ویژگی دارد: همه رو به یک قبله می ایستند، صف ها منظم است، فاصله میان افراد وجود ندارد و مهم تر از همه، نماز جماعت بدون امام معنا پیدا نمی کند. این ساختار را می توان یک الگوی تشکیلاتی برای جامعه اسلامی دانست. جامعه هم به جهت گیری مشترک، نظم، همبستگی و رهبری نیاز دارد.

درباره جهاد نیز حضرت می فرمایند: «وَالْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ»؛ جهاد را مایه عزت اسلام قرار داد. اسلامی که در برابر ظلم و تجاوز بی تفاوت باشد، نمی تواند از عزت و استقلال خود دفاع کند. جهاد به معنای دفاع از حق و مقابله با ستم است. اگر مسلمانان در برابر تجاوز و ظلم مسئولیتی احساس نکنند، دشمنان به راحتی بر آنها مسلط خواهند شد. ما در تاریخ معاصر خودمان نیز نمونه های روشنی از این مسئله را دیده ایم. شهید حاج قاسم سلیمانی، شهید حاجی زاده، شهید فخری زاده و بسیاری از شخصیت های بزرگ کشور، برای دفاع از امنیت و عزت جامعه اسلامی تلاش کردند و جان خود را در این راه تقدیم کردند.

حضرت در فراز دیگری می فرمایند: «وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَامَّةِ»؛ امر به معروف را مایه مصلحت عمومی جامعه قرار داد. برای توضیح این موضوع، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله مثالی درباره یک کشتی دارند. عده ای در یک کشتی سوار هستند. یکی از مسافران می خواهد محل نشستن خودش را سوراخ کند و می گوید اینجا جای خودم است و اختیارش را دارم. پیامبر می فرمایند اگر دیگران جلوی او را بگیرند، هم خودش را نجات داده اند و هم دیگران را؛ اما اگر اجازه بدهند کشتی سوراخ شود، همه غرق خواهند شد. این دقیقاً فلسفه امر به معروف و نهی از منکر است. مسئله فقط نصیحت کردن یک فرد نیست؛ مسئله جلوگیری از آسیب عمومی است. انسان نمی تواند نسبت به سرنوشت جامعه بی تفاوت باشد و بگوید من کاری به دیگران ندارم.

یکی دیگر از فرازهای مهم خطبه این است: «وَبِرّ الْوَالِدَيْنِ وقَايَةً مِنَ السَّخَطِ»؛ نیکی به پدر و مادر را مایه دوری از خشم الهی قرار داد. احترام به پدر و مادر مسئله کوچکی نیست. گاهی انسان در زندگی خودش با مشکلاتی مواجه می شود و نمی داند چرا برکت از زندگی اش رفته است. باید بررسی کند که آیا حقی از کسی ضایع کرده است؟ آیا پدر و مادرش را آزرده است؟ در روایات ما درباره آثار نیکی به والدین مطالب فراوانی آمده است. انسان باید مراقب باشد که اختلافات خانوادگی، به ویژه بعد از ازدواج، موجب قطع ارتباط فرزندان با پدر و مادر نشود. زن و شوهر باید به حقوق یکدیگر احترام بگذارند و در عین حال، جایگاه پدر و مادر را نیز حفظ کنند. حضرت در ادامه می فرمایند: «وَصِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنْسَأَةً فِی الْعُمُرِ وَمَنْمَاةً لِلْعَدَدِ»؛ صله رحم را موجب طول عمر و افزایش جمعیت قرار داد.

صله رحم فقط یک دیدوبازدید ساده نیست؛ بلکه عامل حفظ پیوندهای خانوادگی و اجتماعی است. خانواده ای که ارتباطات خود را قطع کند، به تدریج پشتوانه عاطفی و اجتماعی خود را از دست می دهد. در ادامه، حضرت به مسئله قصاص اشاره می کنند: «وَالْقِصَاصَ حَقْناً لِلدِّمَاءِ»؛ خداوند قصاص را برای حفظ خون ها قرار داد. در قرآن کریم نیز می خوانیم: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ». یعنی در قصاص، حیات و زندگی نهفته است.

شاید در نگاه اول تصور شود قصاص صرفاً مجازات است، اما فلسفه آن جلوگیری از گسترش قتل و خون ریزی و حفظ امنیت عمومی است. وقتی انسان بداند که تجاوز به جان دیگران بدون پاسخ نمی ماند، جامعه از بازدارندگی بیشتری برخوردار می شود. موضوع بعدی، رعایت حقوق اقتصادی است. حضرت می فرمایند: «وَتَوْفِيَةَ الْمَكَايِيلِ وَالْمَوَازِينِ تَغْيِيراً لِلْبَخْسِ»؛ رعایت کامل پیمانه ها و ترازوها برای جلوگیری از کم فروشی است. کم فروشی فقط یک تخلف ساده اقتصادی نیست؛ بلکه اعتماد عمومی را از بین می برد. وقتی مردم نتوانند به معاملات یکدیگر اعتماد کنند، سلامت اقتصادی جامعه آسیب می بیند.

در نهایت، یکی از فرازهای بسیار مهم خطبه درباره حفظ حرمت زنان است. حضرت می فرمایند: «وَالنَّهْيَ عَنِ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهاً عَنِ الرِّجْسِ، وَاجْتِنَابَ الْقَذْفِ حِجَاباً عَنِ اللَّعْنَةِ»؛ پرهیز از تهمت و نسبت ناروا را مانع گرفتار شدن به لعنت الهی معرفی می کنند. تهمت زدن، به ویژه نسبت دادن مسائل اخلاقی و ناموسی به زنان، از گناهان بسیار سنگین است. گاهی یک حرف نسنجیده درباره یک دختر یا زن، می تواند آینده زندگی او را تحت تأثیر قرار دهد. ممکن است با یک شایعه، آبروی انسانی از بین برود و فرصت های زندگی او نابود شود. ما باید مراقب زبان خودمان باشیم. اگر درباره کسی شک داریم، حق نداریم شک خودمان را به دیگران منتقل کنیم و آبروی او را ببریم. حفظ عفت، آبرو و حرمت انسان ها از اصول اساسی اسلام است.

در پایان باید عرض کنم که خطبه فدکیه فقط یک متن تاریخی نیست؛ بلکه یک منظومه معرفتی و اجتماعی است. حضرت زهرا

(س) در همین فرازهای کوتاه، از ایمان و نماز و روزه تا عدالت و جهاد و خانواده و اقتصاد و حقوق اجتماعی را مطرح می کنند. اگر جامعه اسلامی بخواهد به سلامت و عزت واقعی برسد، باید این حکمت ها را از سطح گفتار به عرصه عمل بیاورد.